

منبع :

نشریه الکترونیکی رخداد

زندگی نامه امیر اسد الله علم



امیر اسدالله علم فرزند محمد ابراهیم شوکت الملک بیرجندی، مشهورترین و مقتدرترین چهره دوران پهلوی دوم، به ویژه در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۵۶ بود، که چهار بار به وزارت ویک بار به نخست وزیری رسید. وی در سال ۱۲۹۸ در بیرجند متولد شد؛ پس طی دوران کودکی وارد مدرسه شوکتیه در بیرجند شد و دوره مدرسه مزبور را پایان داد و علاوه بر دروس مدرسه در تعلیم حسن خط انشاء و ادبیات فارسی از معلمین خصوصی بهره گرفت و برحسب تربیت خانوادگی سوارکاری و تیراندازی را تعلیم دید و به تهران انتقال یافت. در آن ایام پدرش از نزدیکان و معاشرین رضاخان پهلوی بود و طبعاً او نیز به دربار راه یافت و به تقاضای سن با ولیعهد که تازه از اروپا بازگشته و دوره دو ساله دانشکده افسری را طی می کرد، آشنا و تدریجاً آشنا شد و برای ادامه تحصیل به دانشکده کشاورزی کرج رفت و دوره سه ساله دانشکده مزبور را پایان داد. در ۱۳۱۸ که موضوع ازدواج ولیعهد با فوزیه مصری انجام گرفت او نیز به دستور پدرش با دختر قوام الملک شیرازی (خواهرشوه اشرف پهلوی) ازدواج کرد.

بعد از استعفای رضا شاه و خروج از ایران، امیر شوکت الملک از تهران به بیرجند رفت ولی امیر اسدالله در تهران باقی ماند و بیشتر وقت او در دربار سپهری می شد و طوری با شاه جدید محشور و مأنوس شده بود که در تمام جریانات دربار قرار داشت. پس از مرگ امیر شوکت الملک، اولین سمت دولتی را احراز کرد و حکمران سیستان و بلوچستان شد و قریب سه سال در این مأموریت گاهی در تهران و زمانی در بیرجند به شیوه قدیم حکومت کرد؛ این مأموریت پایه های امیری قاینات را برای آتیه او محکم ساخت. در سال ۱۳۳۰ شاه در اثر فشار دکتر مصدق، تصمیم به تقسیم املاک خود گرفت و سازمانی در دربار برای این کار به وجود آورد که علم در رأس آن قرار داشت و او نیز به پیروی از شاه، قسمتی از املاک خود را در سیستان و بلوچستان بین کشاورزان تقسیم کرد. در دوران حکومت مصدق گاهی در تهران و زمانی در بیرجند و چندی در اروپا و آمریکا مشغول تحریکات علیه دولت مصدق بود.

علم از اعضای فعال شبکه «بدا من» بود که کار آماده سازی کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را بر عهده داشت؛ بعد از کودتا علم که از استقرار شاه بر سریر سلطنت و قوف کامل داشت بدون شغل دولتی، در کنار شاه قرار گرفت و ضمن دادن

مشورت به شاه، تلاش برای ساقط کردن سپهبد زاهدی می نمود و سرانجام پس از سفر شاه به آمریکا در اوایل ۱۳۳۴ توفیق یافت در یک مذاکره طولانی با زاهدی استعفای او را گرفته و نزد شاه ببرد.

حسین علاء جانشین زاهدی، در کابینه خود پست وزارت کشور را به علم سپرد و در همین سمت مشغول تمرین صدارت شد. انتخابات دوره نوزدهم مجلس شورای ملی در دوران وزارت کشور علم انجام یافت و با تشکیل کنگره، در متمم قانون اساسی تغییراتی انجام داد؛ علاوه بر افزایش نمایندگان مجلس دوران آن نیز به چهار سال افزایش یافت، در این دوره غالب وکلای مجلس توسط علم دستچین می شدند.

در سال ۱۳۳۶ شاه تصمیم گرفت اداره امور کشور را با سیستم دو حزبی اداره نماید. ابتدا حزبی به نام حزب مردم تشکیل داد و علم رهبر آن حزب شد و عده ای از دولتیان و نمایندگان مجلس عضو آن حزب شدند. مرام این حزب انقلابی بودمانند تقسیم زمین بین دهقانان، سهم کردن کارگران در سود کارخانه ها، ملی کردن منابع طبیعی و اعطای حقوق سیاسی به زنان و غیره. و حزب دیگری به نام میلیون به رهبری دکتر اقبال تشکیل یافت. علم در ۲۸ تیر ماه ۱۳۴۱ از طرف شاه به نخست وزیر منصوب گردید. اولین اقدامی که علم در دوران نخست وزیری اش انجام داد، لایحه انجمن های ایا لتی و ولایتی بود که در این لایحه به زنان حق رأی داده می شد. علم در نخست وزیری خود اولین کنگره دهقانان ایران را تشکیل داد و خواسته های شاه را در چند اصل در کنگره مطرح و به تصویب رسانید که عبارت بودند از: ۱- الغا رژیم ارباب رعیتی ۲- ملی کردن جنگلها ۳- فروش سهام کارخانجات دولتی برای پشتوانه اصلاحات ارضی ۴- سهم کردن کارگران در سود کارخانه ها ۵- اصلاح قانون انتخابات ۶- ایجاد سپاه دانش

دولت برای تصویب اصول ۶گانه متوسل به رأی عمومی مردم شد و روز ۶ بهمن ۱۳۴۱ فراندوم در سراسر کشور انجام گرفت و اصول مزبور از طرف شاه برای اجرا به دولت ابلاغ شد. روحانیون برای خنثی ساختن کار دولت دست به مخالفت برداشتند و دولت علم با شدت هر چه تمام تر به سرکوب مخالفان پرداخت. مبارزه علیه شاه و دولت را آیات اعظام در قم رهبری می کردند و اعلامیه های زیادی علیه دولت صادر و پخش شد. دولت علم برای فرو نشاندن تظاهرات عده ای از اصناف و کسبه که روحانیون عهده دار رهبری آن بودند از آغاز سال ۱۳۴۲ شدت عمل بیشتری نشان داد و علاوه بر بازداشت سران جبهه ملی، چند روحانی را بازداشت و به تبعید رهبران مبارزه علیه دولت پرداخت . از جمله آیت الله خمینی را بازداشت کرد. به دنبال این گونه اعمال مردم قم دست به تظاهرات مجدد زدند. تا اینکه روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در شهرهای قم و تهران روحانیون و اصناف وعده ای از مردم دست به تظاهرات زده و با انتشار شعارهایی علیه دولت به راهپیمایی پرداختند. دولت علم به سرکوبی تظاهرکنندگان پرداخت و به روی آنها آتش گشود. در اثر این برخورد خونین در شهرهای قم و تهران عده زیادی مقتول و مجروح شدند. علم در تابستان ۱۳۴۲ پس دو سال فترت (تعطیلی مجلسین)، انتخابات دوره بیست یکم مجلس شورای ملی و دوره چهارم سنا را آغاز کرد و رویه ای جدیدی در پیش گرفت. وی در تهران کنگره ای به نام آزاد مردان آزادزنان با شرکت نمایندگان شهرها و روستاها تشکیل داد؛ کنگره پس از بررسی های لازم، لیستی که کلیه کاندیداهای انتخابات مجلس بود اعلام نمود. در بین نمایندگان دوره بیست یکم جز مالکین از تمام طبقات مردم افرادی انتخاب شده بودند، کارگران، کشاورزان و کارمندان اکثریت نمایندگان را تشکیل می دادند؛ از هنرمندان و ورزشکاران و اصناف نیز به مجلس راه یافتند و برای اولین بار در تاریخ ایران به زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داده شد؛ وعده ای از زنان وارد مجلسین سنا و شورای ملی شدند.

علم قریب به ششصد تصویب نامه هیأت وزیران را که در دوره فترت تهیه شده بود به مجلس داد و آنان را به صورت قانون درآورد.

امیر اسدالله علم تا اسفند ۱۳۴۲ بر اریکه قدرت استوار بود ولی به طور ناگهانی از کار برکنار می شود و ریاست دانشگاه شیراز را به وی سپردند. علم در ۱۳۴۳ به وزارت دربار شاهنشاهی برگزیده شد؛ وی در نخستین روزهای سمت جدید اعلامیه های تاجگذاری شاه و جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را انتشار داد و سرپرستی هر دو جشن را عهده دار شد.

علم تا هشت ماه قبل از مرگ یعنی به مدت دوازده سال وزیر دربار و بار وندیم محمد رضاشاه بود. علم در این مدت علاوه بر وزارت دربار مشاغل دیگری به شرح زیر دارا بود:

سرپرست املاک و مستغلات پهلوی، آزدان مخصوص شاه، نماینده منتخب شاه در هیأت مدیره بنیاد پهلوی، دبیر کل حزب مردم، ریاست دانشگاه پهلوی، عضو شورای عالی تقسیم املاک سلطنتی، عضو هیأت مدیره سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، عضو هیأت مدیره بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ریاست هیأت امنای دانشگاه مشهد، عضو هیأت امنای بنیاد فرهنگی ملکه پهلوی، مدیر عامل کمیته ملی پیکار جهانی بابت سواد و...

علم در سال های آخر دچار بیماری سرطان شد؛ چندی در بیمارستان های آمریکا به معالجه پرداخت. هنگامی که در آمریکا تحت معالجه بود شاه او را از وزارت دربار تغییر داد و سمت او را به امیر عباس هویدا داد و به این ترتیب امیر اسدالله علم مرد قدرتمند دربار پهلوی و اعجوبه سیاست در تاریخ معاصر ایران در ۲۵ فروردین ۱۳۵۷ در آمریکا در سن ۵۹ سالگی درگذشت. امیر اسدالله علم فرزند ذکور نداشت و از وی تنها دو دختر باقی ماند.

علم مردی بسیار متمول بود و املاک زیادی در خراسان سیستان و بلوچستان و فارس متعلق به او بود و غیر از مال الاجاره سالیانه مبلغ معتنا بهی از کشاورزی خود بدست می-آورد. قسمت اعظم زعفران ایران به او تعلق داشت و بهره برداری او در کشور به مراتب از شاه بیشتر بود. وی قدیمی ترین و مورد اعتمادترین دوست شاه بود. هیچ ایرانی دیگری به اندازه او به شاه نزدیک نبود، شاه اغلب مسایل محرمانه را با علم در میان می گذاشت و حرف پذیری زیادی از علم داشت. سالهای متوالی چه ضمن خدمت و چه خارج از آن، اسدالله علم با نفوذترین چهره در پشت تاج تخت ایران بود. بدون شك علم را باید یکی از مهمترین مسؤلان واقعی حکومت محمد رضا شاه پهلوی دانست.